پرچم
ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره نزدهم ـ سال دوم ـ دوشنبه ٦ اسد ١٣٤٨ ـ ٢٨ جولای ٦٩ شماره مسلسل ٧١

زموږ لوړ هدف د[illegible]کو بری دی

دخلکو د باره خدمت ز موږ مقدسه وظیفه ده . له همدی کبله که چیری دوظیفی داجرا کو لو په وخت کی اشتباه وکړو په ځان باندی به انتقاد وکړو او خپله اشتباه بـــه تصحیح کوو . همدا شان دنورو لـه انتقاد څخه نه بریږو، که په واقعی ډول زموږ په کارونو کی ، زموږ په عملی سیا سی فعا لیتو نو کی، زموږ په علمی تحلیلاتو کی چه دټولنی دپیژندلو دپاره یی کوو اشتبا ها ت او نیمګړ تیا وی وی سمدستی یی په تصحیح لاس پوری کوو . دهرچا له خوا چه اصولی انتقاد وشی مو ږ یی په نظر کی نیسو که چیری وا رد او صحیح وی دهغو په اساس به دخپلو نیمګړ تیا وپه اصلاح کی هڅه وکړو. موږ دهغو پیشنهادو نو چه دهیواد له ملی ګټو سره سمو ن کوی دخلکو دګټو دفاع کوی، داستبداد، ارتجاع او امپریا لیزم ضد خصلت ولری ملاتړ کوو او له هغو سره به سم عمل کوو .

له هغه ځا یه چه ز موږ دعمل بنسټ پرته له تو پیره دافغانستان دخلکو دپرا خو پرګنو ګټی دی ، نو له همدی کبله لـه هـر انتقاد او پیشنهاد سره به چه ذکولای شی دافغا نستا ن دخلکو داړتیا وڅخه یوه اړتیا پوره کړی او دملی آزادی او دموکراسی او زموږ دټولنی په پرمخ تګ کی مرسته وکړی خپل موافقت خرګند وو . خبره داده چه دداخلی ارتجاع، امپریالستی شبکو، د عظمت طلبا نـه شوو نیزم هوا خواها نو ددسیسو په اساس یـو شمیر تضمین شوی کړ غیږ ن او نوم بدی، مفتن او نفاق اچوونکی عناصر زموږ په ضد لمسول کیږی چه کله په ظاهر کی « ددین او مذهب» پـه جا مه کـی ، کلـه د «تـوده ای او انقلابی ، ملی او وطن خواه ،متر قی اوپیشرو ،خلقی او دمو کرات » تر نامه لاندی دانتقاد او پیشنهاد پـه ځای په مو ږ بانـدی تور لـګوی او کنځلی کوی . له دی کبله دملګر و او دو ستا نو له خوا په پرله پسی ډول په مو ږ باندی اخلاقـی فـشار اچول کیږی چه بأید موږ ددغـسی مرتجع او مفتنو عناصرو په مقا بـل کی سخت عکس العمل وښیو . خو مونږ هرځلی دغوملګرو اودوستانوته ویلی دی چه دمبار زی دکړ ووکیږی لاری په او ږ دو کی دملی اواجتماعی عادلانه مبار زی د لاری دپیشاهنګا نو اوکشا فانو په مقابل کی تل دغـه شان نا پاکی او مکرو بونه ، موذ ی خزندی او بو ین وحوش موجود وی او ددوی وجود یو بشپړ طبیعی شی دی . دغه شان «اشخا ص» په موقتی ډول سر پورته کـوی، څنی خلک غو لوی خو بیا دحقیقت په مقا بل کی محو کیږی او دتل دپاره ورکیږی . دافغانستا ن دخلکو دموکراتیـک جریان دپنځه کلن تاریخ په لنډموده کی ځوځو ځلی په ارتجاعی محا فلو پوری مربو ط ځوځو نشراتی ارګانو نه اوسل ګونه محرکا ن راخرګندشوی دی او دافغا نستا ن دخلکودموکراتیک

«څلور مخ»

چطور انقلابیگران «چپ»

به اپور تونیزم راست میگرانید!

مبارزه انقلابی به خاطر تحـو ل انقلابی جامعه جر یـانیست بسیار پیچیده ، پر از مدو جزر وپیچ وخم.. و مرکب از قطب های متضاد مبارزه مانند تعرض وعقب نشینی ، نر مش وقاطیت ، مصالحه و سر سختی ، جسارت وحزم ، شکیب و شتاب..وغیره وغیره.ولی انقلابیگران وچپ نماهائی در دورن کشور ما سر بالا کرده اند که حتی در هنگام فرو کش شدن موجها ی باریـک نهضت اعتصابی کارگران وتظاهرات شاگردان کشور چون جوجه نظا میگران مغرور، بدون هدف گیری وبدون تـرس ازشکست نهضت ، فتنه گرانه وبچگانه قـو مانده میدادند . این آقایا ن،جریان بغرنج مبارزه انقلابی رابا چند «نقل قول» ساده ساخته ، وقـت ونا وقت شعار های چپروانه میدادند وبادامن زدن شعله های نفاق افگنی لجو جانه به سیاست شتاب پافشاری تظاهرواخلالگری میگردند . برای چه؟ برای استقرارهرچه نیرومندتر استبداد کبیرودکتاتوری سیاه وسرکوبی نیروهای ترقیخواه وطنپرست !

خنده آور است که وقتی ایـن انقلاب سازان وطنی وقهرمانان (!) ضد پارلمانتاریزم وضد آزادی وضددمو کراسی در چنگال پولیس ومحاکم فرار میگیرند ، عوض اینکه در آ ن وقت از خود قهرمانی واقعی نشا ن دهند واز اصول خود دفاع کنند ،بادبانهای کشتی را به جانب راست میکشند ونابهنگام به قطب های دیگر مـبارزه پـنا هـمـی بـر نـد خود را دموکرات معرفی میکنند ،بالاخره به قانون اساسی ، مبارزه مسالمت آمیز وقانونی (چه خوب !)تن در میدهند ، به رفور میزم و به اصلاح طلبی محض (نه دگر گونـی بنیادی!) تسلیم میشوند و بـرای «نجات» خود به شبکه های خرابکار ارتجاع داخلی وامپر یا لیستی و به سیاه ترین اورگان نشراتی دلا ل و ارتجاعی راست و شار لتا ن کـه ما بردن نام آن راشرم میدانیم ، پـناه میبرند و در مبارزه انتخاباتی ازسیاه ترین عناصر ارتـجـاعـی راست پشتیبانی میکنند وکاندید هـا ی واقعاً ملی ودموکراتیک ،تر قیخواه ووطنپرست را تخریب مینمایند و عملا به مصالحه و ساز شکاری غیر اصولی به اپورتونیزم ورویز یونیزم وتسلیم طلبی میگرایندوبا سیاه ترین نیرو های ارتجاعی وامپر یالیستی درتبانی اند .

اینها در حالیکه فریاد میکشیدند که «هیچ مصالحه مجاز نیست ! باید هر گونه مصالحه وهمکاری را بـا جریانات دیگر ... و هر گونه سیاست مانور را با قاطعیت تمام رد کرد !» ولی اکنون این آقایان دمو کرا ت ها بطوز دسیسه آمیز ومضـحـکـی از «مرتجعین ببرکاغذی» التماس میمایند که «چرا همکاران پرچم خلق وجریان دموکراتیک خلق افغانستان را بزنجیر نمیکشند ! چرا پرچم خلق را مصادره نمیکنند ؟

(ص ٢)

ببرک کارمل

اتکاء به نیروی ملی عامل عمده

پیروزیست!

بوده اند کسانیکه در گذ شتـه فعالیت سیاسی رابراساس نیروی ملی مبتنی نمیساختند و شتابزده میگفتند «نمیتوان امید وار به رستا خیز ملی شد . نمیتوان از داخل کشور واتکاء به نیروی خود قـوای استبداد را درهم کوبید ،لذا باید ازطریق اتکاء به خارج اقدام کرد وانقلاب را وارد کشور ساخت ».

در وضع کنونی ، به نحو دیگر ی نظراتی به این معنی به گوش میرسد که «بالای دمو کراسی قلابی نباید اعتماد کرد ! قانون اساسی فریـب است ! امروز یا فردا دورهٔ اختنا ق وترور واستبدادسیاه شروع میشود! بنابران باید از همین اکنون ازماورای مرز انرژی و قدرت سیاسی گرفت!وپایگاه اساسی فعالیت را در خارج از کشور ایجاد کرد ...!»

باید گفت که علی الوصف ماهیت استبدادی محافل حاکمه کشور و عدم اعتماد به آنها ، این نوع طرز تفکر یاناشی از ضعف روحیه انقلابی وعـدم تحمل مبارزه است ویاناشی از عدم درك وضع خاص سیا سی افغانستان و یا قرینه سازی هـا ی نادرست تاریخی است .

نباید از نظر دور داشت کـه شرایط ، اشکال وصورتهای مبارزه در هر کشور درزمانهای مختلف فرق میکند . فعالیت انقلابی در خارج از کشور شکل تحمیلی مبارزه است که اصولا هوس تـقـلیدی آن اشتباه بزرگ بشمار میرود .امروز کما ل آرزوی وطنپر ستان ایـرانـی ، اندونیزیائی ، هسپانوی ، پرتګالی، یونانی وغیره، که بنابر شرا یـط ترورو اختناق داخلی مجبور بـه مهاجرت گردیده اند ، عودت بـه وطن های شان است تا مبارزه خود را در داخل کشور در پیوند نزدیك باخلق به پیش ببرند ودر فضای دموکراتیك به صورت قانو نی و علنی در نهضت رهائی بخش ملی و اجتماعی کشور خویش فعالا نـه شرکت ورزند .

«ص ٢»

ښاغلی وزیر مالیه ضمن خطابه بودجوی

خود درولسی جرګه به حقایق تلخی اعتراف کرد

ښاغلی محمد انور ضیائی وزیر مالیه در خطابه خود در مورد بو دجه سال ١٣٤٨ مطالبی را راجع به وضع رقت بار اقتصادی و مـالی کشور بیا ن کرد وضمن آن معترف به حقایق سر سخت وتلخی (بدو ن ذکر علل و ریشه هـای آنها و بدو ن ارا ئـه پیشنهادات مشخص)در زمینه گردید.

ښاغلی وزیر مالیه میگو یـد «نیاز مندیهای روز افزون مملکت به اصلاحات ، تکافوی احتیاجات ضروریه اولیه وجنبش سریع در جهت بلند بردن سطح تولید و بهتر ساختن سویه حیات مردم واز سوی دیگر مشاهدهٔ نهضتهای سریع اقتصادی در ممالك روبه انکشاف حوزه هـا ی مجاور ما را به منظور انکشاف بـه تعمیر بـنای متین اقـتصـادی و استحکام قوی بنیان مالی مـجـبـور میسازد . همه میدانیم که بمقتضا ی عصر امروز به قبول حیات ابتدا ئی و ساده امکان حفظ موقعیت انکشاف میسر نیست .»

آنچه را ښاغلی وزیـر ما لیه در پراګراف بالا گفته است فقط اظهار سادهٔ یك حقیقت است واین بهیچوجه کافی نمیباشد تا پیشنهادات مشخص به منظور بر داشتن گامهای عملـی ارائه نگردد . تاوقتیکـه طـبـقات ستمگر و استثمارگـر در حـیـات اجتماعی و اقتصادی کشور مسلط باشد دم زدن از اصلاحات از طرف حکومت لفظاً آرزوئی بیش نخواهد بود .

باید دانست که انجام اصلا حات اقتصادی و اجتماعی مستلزم ایجاد «تغییر بنیادی» در جامعه میباشد . مطلوب ماازـ «تغییر بنیادی» باین معنی

«ص ٢»

رفیق ارجمند ما میر اکبر خیبر

مدیر مسؤول جدید جریدهٔ پرچم

رفیق محترم ما سلیمان لایق دوره مسئوولیت جریده پرچم را باشهامت وتبعیت آگاهانه ازجریان دموکراتیك خلق افغانستان گذشتاند واکنو ن کاندید جریا ن دمو کراتیك خلق افغانستان برای ولسـی جرګـه از ولسوالی پلخمری میباشد . لذا مقام ذیصلاح ج.د.خ.ا . رفیق ارجمندما میر اکبر خیبر را بحیـث مد یـر مسئوول جریدهٔ پرچم ـ ناشر اندیشه هـای جریـان دموکر اتیـك خلق افغانستان تعیین و معرفی نمود .

از آنجا ئیکه دشمنان خلق همیشه دشمن شخصیتهای ترقیخواه وطنپرست، دشمن فر زندان را ستین خلق اند،فیصله شـد تا بغرض مـعلو مات گوشه ای از سوانح رفیق ارجمـندخود را به نشر بسپا ریم .

(هیأت رهبری وتحریر پرچم)

م.ا . خیبر درسال ١٣٠٤(هـ. ش)دریك خانواده زحمتکش دهـقا نـی پښتون پا بعر صهٔ وجودگذاشت .وی از کو دکی تا بز رگ ی در آغوش رنج پرورده شد واز نز دیك ،شاهداستثمار دهقا نا ن زحمتکش ومنجمله خانواده خود ش بود .

م. ا . خیبر از سپر ی کر د ن دوره ابتدایی مکتب حر بیه بـنام احضاریه ، بنا بر استعدا دیکه از خود نشا ن داد ، حق شمول به لیسه حربی را بدست آورد وبتاریخ ١٣٢٦ ازحربی ښوونځی فارغ وبه حر بی پوهنځی شا مل گردید .

م. ا . خیبر در پهلوی آمو زش تعلیما ت نظامی ، علی رغم موا نـع ومشکلات بصورت خصوصی پیو سته به مطالـعات اجتما عی وسیاسی میپر داخت .

م.ا. خیبر در دوران تحصیل درحربی پو هنځی همیشه پر چمدار

«ص ٤»

اقدام شجاعانه اندیرا گاندی

صدر اعظم هند

خطاب به اعضای پارلمانی حز ب کانگرس در ٢٠ جولای مـیـرمـن اندیرا گاندی صدراعظم هند بحیث رهبر حزب اظهار داشت که باید در برابر وظایف وی موانع ایجاد نگردد تا او قادر به رهبری و اجرای پالیسی های حکومت باشد.او یك گام بزرگ ، ملی کردن بانکها را اعلام داشت .

میرمن اندیرا گاندی گفت کـه نظر اساسی در مورد ملی کردن بانك های بزرگ اینست که عدا لـت برای بخشهای ضعیف تر جا معـه تامین گردد وبـه سوی اهـدا ف سوسیا لیستی پـیشروی صور ت گیرد . وی اظهار داشت که ملـی نمودن بانکها گام بزرگی عـلـیـه منفعت پرستی است .

دفتر صدراعظم هند صد ها تلگرام به پشتیبانی از تصمیم حکو مت آنکشور مبنی بر ملی کردن ١٤بانك بزرگ دریافت داشت. این تلگرامها از طرف اتحادیه های کار گـری ، قانون دانان، احزاب مختلف سیاسی، کارکنان بانکها و دیگران موا صلت کرده است که در آنها این تصمیم بحیث یك گام شجا عانه مـورد پشتیبانی قرار گرفته است .

ملی نمودن ١٤ بانك در هند حوادث جدیدیرا بار آورده است و حـز ب کانگرس مورد تاخت و تاز جناجهای مختلف واقع شده .

صدراعظم هند مواضع خودرا تحکیم بخشیده است . ملی کردن بانکها رشد اقتصادی را تسریع مینما ید و باعث تقویت بخش دولتی میشود که موافق باوضع موجود هند میباشد . ولی جناح راست حزب کانگرس که ملی کردن بانکها ضد منافع آنهاواقع شده مخالفت میورزند . رهبر جناح راستی ، دیسای وزیر سابقـه مالیه هند میباشد که او را اندیرا گاند ی از وزارت مالیه بر طـرف کـرد .

ولی جناح چپ وایوز یسیو نها ازین اقدام اندیراگاندی طرفداری مینمایند.

حزب کمو نیست هند طی اعلامیهٔ از ملی کردن بانکها در هندطرفداری نموده و آنرا لازم میداند . حزب به تمام نیرو ها هوشیار باش میدهد که متحدانه عمل نمایند واین او لین ضربه ایست به جناح راست ومنعت پرست ها .حزب تقاضا مینما یددرین مرحله باید تمام نیرو های چپ تحت شعار های معین مطابق به خوا ست کارگران ،دهقانان وهمه زحمتکشان کار زار سیاسی را آغاز کنند .

جنبش همبستگی بین المللی

باخلق قهرمان ویتنام

٢٠ جولای،روز همبستگی بین المللی با ویتنام که در کشور های مختلف جهان بر گزار گردید ، پشتیبا نـی وهمبستگی نیرو مندی را از مبارزهٔ عادلانه خلق ویتنام علیه تجاوزایالات متحده امریکا به اثبات میرساند .

امسال روز همبستگی با ویتنا م در پاسخ دز خـواست کـنـفـرانس بین المللی احزاب کـمـو نیست و کارگری،مطابق به پانزدهمین سالگرد روز امضاء موافقتنامه هـای ژنـیـو برگزار شد .

به مناسبت روز ویتنام ، حز ب کمونیست فرانسه اعلان کرده است: امپریالیزم امریکا سر زمین ویتنا م را به کانون کشتار وتباهی مـبـدل کـرده بـا یـد امریکا از ویتـنـام خارج شود .

همچنان به تاریخ ٢١ جـو لای «ماه عنعنوی دوستی شوروی ـ ویتنام» در اتحاد شوروی شروع گردید .

وزارت امور خارجه جمهوریـت دموکراتیك ویتـنـام به مـنـاسـبـت پانزدهمین سالگرد موافقتنامه های ژنیو در بارهٔ ویتنام یاد داشتـی را منتشر ساخت .

در یاد داشت گفته میشود کـه موافقتنامه هـای ١٩٥٤ کـه به جنگ تجاوز کارانه استعمار گران فرانسوی در ویتنام خاتمه بخشید ، حقو ق اساسی ملی مردم ویتنام : استـقـلال حاکمیت ، وحدت وتمامیت ار ضـی ویتنام را بـه رسمیت شنا خـت و پرنسیپ های جلو گیری از تجاو ز خارجی راعلیه خلق ویـتـنـام اساس گذاشت . معهذا ایالات متحده امریکا وعده های را که در جلسه اختتا میه کنفرانس ژنیو در سال ١٩٥٤ بعمل آورده بود شکستانده و حقوق ملی خلق ویتنام را برای پانزده سال پایمال کرد وهنوز هم ادامه میدهد .

در یادداشت با رضا ئیت خاطر اظهار میگردد کمك های بزرگی که به ویتنام قهرمان توسط کشور های سوسیالیستی و مردم پیشرو جهان صورت می گیرد ، یکی از عـوامـل تعیین کنندهٔ است که مـو جـب پیروزی خلق ویتنام میگردد .

در یاد داشت گفته میشود که خلق ویتنام و حکومت جمهوریت دموکراتیك ویتنام سپاسگذاری عمیق خودرا ازین پشتیبانی اظهار میدارند .

درحالیکه بیست وششمین کنفرانس صلح ویتنام درپاریس بدون هیچگونه پیشرفت ادامه دارد . نمایندهٔ حکومت موقت انقلابی ویتنام جنوبی درپاریس اظهار داشت : خـلـق و ویـتـنـا م برای آزادی ودمو کـراسی مبارزه میکنند .امریکا باید ویتنام را تـرك کند. ماگامهای به سوی صلح میگذاریم. امریکا مسوول جنگ ویتنام است وباید امریکا این جنگ را خاتـمـه بدهد .

پرچم
دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی
٦ ـ اسد ١٣٤٦

په پکتیاکی دژوند څنګه تیریږی

د پکتیا خلك چه دګران هیواد افغانستان د ملی خپلوا کی په انقلابی جګړه کښی له نورو هیوادوا لو سره اوږه په اوږه جنګیدلی او دخپلواکی په ګټلو او ساتلو کښی پوره برخه لری دهیواد دنورو ډیرو بیر تـه پاته په شان دپو هنی ، اقتصاد ، صنایعو او د ژوندا نه په ټولو نورو برخو کښی ډیر بیرته پاته دی ، د پکتیا خلك دحکو متونو دنه پاملرنی یا بدی پاملرنی او استبدادی سیاست له کبله تر اوسه پوری یعنی دشلمی پیړی دوهمه نیمائی کښی دقبیلوی نظام په منګلو کښی د بـی وز لـی، ناروغی او بیسوادی ژوند تیروی او په سختو کړاونو اخته دی . قبیلوی نظام او اختلا فات ، قبیلوی جګړی او له هغو نه را پیدا کیدو نـکی مصیبتو نه او آفتو نه د پکتیا دخلکو بیرته پاته کیدو او داوسنی بدمرغه ژوند ستر علت دی . ار تجاعی او استعماری سیا ستو نه هڅه کوی چه د خپلو کړ کجنو مقاصد او ګټو دپاره دغه وضعه په پکتیا کښی لا وساتی.

په پکتیا کښی چه یوه غرنی سیمه ده زراعتی ځمکی لږدی اونشی کولای چه د پکتیا دخلکو اړتیاوی پـوره کړی ، او د پکتیا فعال او کار ته چمتو نفوس ته کار پیدا کړی دکار نوری زمینی هم نشته . سره له دی چه په پکتیا کښی دصنایعو دانکشاف دپاره ستر امکا نات موجود دی خو تر اوسه پوری دصنایعو نوم هم په پکتیا کښی نشته .

د پکتیا ځنګلو نه چه ددغی سیمی لویه شتمنی ده له اوږ دی مودی را پدیخوا په ډیره ابتدائی توګه پری کیږی او دژوند ډیر ابتدایی شیان په برابریږی . که چیری د پکتیا له ځنګلو نو څخه استفاده په همدی توګه دوام و کـړی لری به نه وی زمونږ دسیمی اوسنی دغه دژوند یوائینی وسیله هم له مینځه لاړه شی او زموږ دخلکو بد ژوند به لا پسی بدشی دقطع شویو ځنګلونو دبیاژوندی کولو دپاره هیڅ تدبیر او پلان نشته.

د پکتیا په سیمه کښی پو هنه د ژوند دنورو اړ خو نو په شان د ه تر ډیری مودی پوری په پکتیا کښی ښو ونځی نه وو او استبداد به ددی وضعی ملامتی هم دپکتیا دشرایطو او معارف غو ښتو نکو خلکو په غاړه اچو له . دا داستعمار منطق هم وچه خلك پوهنه نه غواړی . اوس چه څو محدود ښو ونځی پـرانیستل شویدی نه معلم لری نه وسایل .

د پکتیا د انکشاف د پـاره چه اوس د لویدیځ آلمان په مرستـه کوم کار کیږی تر زیاتی انـدازی نمایشی جنبه لری او تر اوسه پوری ئی د ډیرو بیسو دلګښت سره د خلکو په ګټه کوم ستر مثبت کارندی کړی .

د پکتیا دخلکو د اقتصادی ژوند د پیژند لو دپاره همدا کافی ده چه ددغی سیمی نږدی ټول خلك جواری تر خوی او بیا ئی خوری چه ژر خلاص نشی . د روغتیا حال په پکتیا کښی د هیواد دنورو سیمو په شان دی . رو غتون نشته هلته کافی دوا او داکتر نشته له همدی کبله په پکتیا کښی زیاته برخه ما شومان د ژوند په لومړ یو وختو کښی مری او ځوانی ته نـه رسیږی .

په پکتیا کښی ددمو کراسی او اساسی قانون په باره کښی خبری کول ددی سیمی خلکو تـه عجیب شی ښکاریږی .

خلقهای مبارز عرب

بمبارزات عادلانه خود ادامه میدهند

در هفته گذشته بازهم درسواحل کانا ل سویز آتشبا ری شدید بین جمهوریت عربی متحد وا سرا ئیروهمچنان درسوا حل دریا ی اردن بین و احدها ی اردن وا سرا ئیـل ،صو رت گر فت که در اثر آن چندین عسکر ا سرائیلی واردنی کشته شدند ١٩ طیاره اسرائیلی توسط واحدهای ضدهوائی جمهور یت متحد عربی سقوط داده شد .

با تشدید جنگ در سواحل کانا ل سویز و جنگهای خو نین چند روزه که آغاز شده با عث نگرانی شدید محافل صلح پسند جهان شده است . در پور ت تو فیق وپورت سعید جنگهای خونین آغاز گردیده است .

مو شی دا یا ن قوما ندا ن جنـگ گذ شته اعرا ب وا سرا ئیل بار دیگر به عسا کر ا سرا ئیل فرمان آماده باش داده است.

کابینه جمهوریت عربی متحد حوادث اخیر را مورد مطا لعه قرار دا دنـد وا علان گردید که بحملات ا سرا ئیل جواب شدید داده خواهد شد. نمایندهٔ جمهوریت عربی متحد درملل متحد حملات اخیر اسرائیل رابه اوتانت اطلاع داده است. اوتانت گفته اگر جلو حملات اسرائیل گرفته نشود جنگ دیگری درشرق میانه آ غا ز خوا هد یا فت .

رئیس جمهورامریکا ریچارد نکسن از صدراعظم ا سرا ئیل گو لدا ما یر دعوت نموده تا به امریکا مسا فرت دوستانه نماید. قرار است به تاریخ ٢٥ سپتمبر صدراعظم اسرائیل وارد امریکا شود .

نطاق مو سسه ا لفتح اعلان کرد که اخیراً از طرف مبا رزین این موسسه تلفات انسانی وخسا رات بزرگ مالی برمتجا وزین اسرا ئیل وا رد گردیده است. یکعده پار تیزانهای عربی در هفته گذشته دریك حمله شجاعانه به یك مر کز نظامی اسرا ئیلی، تعداد زیاد عسا کر اسرائیلی را مقتول و خسا را ت بز ر گ مـالی را برا شغالگران وا رد نمود ند .

در ٩ نبرد خو نین که مبا رزین عربی با قوا ی ا شغا لی ا سرا ئیل نموده اند ،١٧ عسکر اسرا ئیل را کشته اند. مبا رزین ٦ همزام خود را از دست دادند. پا تیزا نها یك موتر نظامی ا سرا ئیل و چند مر کـز مخابره آنرا منفجر سا ختند .

روز ملی پولند

٢٥ سال قبل کمیتهٔ نجات مـلی پولند در یگانه شهر آزاد شدهٔ بنام چیلم بتاریخ ٢٤ جولای ١٩٤٤ اعلامیه نخستین حکو مت خلق کارگر پولندرا نشر نمود .

خطوط اسا سی این اعلامیه قر ار ذیل بود: بو جود آوردن حکو مت خلق به اتحاد و دوستـی دائـمـی با اتحاد شو روی بحیث اساس سیاست خارجی کشور ، و حـد ت مجدد حصص غربی در یك دو لت واحد پولند ، تضمین آ زادیهـا ی دمو کراتیك، اجرای اصلا حا ت ارضی و غیره.

مردم پو لند که تحت رژیم بیست سالـه سر مایـه داران و مـلا کان مرا رتهای استثمار و استـبـداد را چشیده و استقلال خود را از دست داده بودند تصمیم گر فتند که بعد از آزاد کردن کشور شان از تسلط فا شست های آلمان به اساس اعلامیه فوق راه دیگری در پیش گیـرنـد.

در مدت ٢٥ سا لیکه از نظام جد ید میگذرد مردم پو لند به پیشر فتهای بزرگی در سا حات مختلف حیا ت اجتماعی نایل گردیده اند. بیش از هفتصد مؤسسهٔ بزرگ صنعتی در کشور سا خته شد. فا بـر یـکات سابق تر میم، عصری و تو سعه داده شدند. پو لند در اینمدت از یـك کشور زراعتی بیك کشو ر صنعتی مبدل شد. امروز تو لیدات یك ماهه پو لند بیش از تـو لید یکسا لـه در تحت نظام سابق سر مایه داری میباشد. پو لند در بسیاری ازشعب صنایع مقام د هم را در جهان دارد.

درحال حاضر پو لند از ٢ تا ٢ر٥ فیصد تو لیدات صنعتی جهان را تولید می کند. ازنظر تو لیدات زرا عتی در جهان جای یازدهم یا دوازدهم را اشغال میکند. هشتاد و پنج فیصد نسل جوان پـولـنـد از ده تادوازده سال تحصیل می نما یند واز نظر تعلیمات عالی از بسیاری از کشورـ های سر مایه داری به شمول آلمان، ایتالیـا و بـر تا نیه پیش است. پولند در مسایل سیاسی اروپا نقش بزرگ بازی میکند. ما اینروز ملی را به مردم پو لند تبـریك میگو ییم و تر قیات مزید آنرا خوا ها نیم .

روز ملی جمهوریت متحد عرب

هفده سال پیش ملت جمهو ریت متحده عرب برهبری جمال عبدالناصر دست به انقلاب زدند. و در خلا ل این مدت ملت جمهوری متحد عر ب توانست سر زمین خود را کـه ا ز هفتاد سال باینطر ف تحت سیطره استعمار بر تانیه بود آزد سا زد ، دست مر تجعین و سر مایه دا ران دلالی را که خون مردم ز حمت کش را میمکیدند وسالها درخدمت استعمار بودند کو تاه نمایند.

جمهوریت متحده عرب درسیاست خارجی خود پیو سته ازصلح، آزادی، بی طرفی و عدم انسلاك به پیما نهای تجاوز کـار امپـریـالیستی، مبارزه علیه استعمار و امپر یا لیز م طرفداری نموده است.

باآنکه جمهوریت متحد عرب د ر طول مدت هفده سال پیو سته تحت فشار وتهدید ومورد توطئه استعمارگران و مر تجعین داخلی و خارجی بود و دو دفعه مورد تجاوز مستقیم (تجاوز مثلث درسال ١٩٥٦ و تجاوز ١٩٦٧) امپر یا لیزم و صـهیو نیت واقع شد و لی باز هم بنا بر اصلاحات که در سا حات مختلف حیات اجتماعی در آن کشـور بعمل آمد مـر دم جمهو ریت متحد عرب به پیشر فتها وتر قیات بزرگی نایل گردیده اند .

اصلا حات ارضی بنفع فلاحین (دهقانان بی زمین) که قر نها تحت ا ستثما ر بیر حمانه ملاکان بزرگ قرارداشتند اجرا گردید. کانال سویز ملی شد . تجارت خارجی تحت کنترول دولت در آورده شد ، بانکها و شر کـت های بزرگ داخلی و خارجی بطور عمده ملی گردید. صنایع بزرگ همه در سکتور دو لتی متمر کز گردید.

باتعمیر سد عالی اسوان بـکمك مالی وفنی اتحاد شوروی که ازشاهکار های قرن بیستم شمـرده مـی شود ملیونها جریب زمین آبیاری میگردد وقدرت تو لید برق دران کشور ٢٠ برابر سال ١٩٤٨ گردیده است.

جمهوریت متحد عرب در سا حه معارف نیز به پیشر فتهای نا یـل گـردیـده اسـت. در سـر تـا سر جمهوریت متحد عرب هر روز یك باب مکتب افتتاح میگردد..

مادر حالیکه این روز را تبریك میگوئیم پشتیبانی کامل خـود را با مـردم جمهوری متحد عرب در مبارزه شان بخاطر امحای کامل بقا یای استعمار وازبیـن بـردن آثار تـجاوز ١٩٦٧ اسرائیل وامپر یا لیزم اعلان مینمائیم.

انجام مسافرت موفقانهٔ انسان

به کرهٔ ماه

اپولوی یاز دهم که بتاریخ ٢٥ سر طان بقصد پیا ده کردن انسان در کره ماه از طرف ایالات متحده امریکا بفضا پر تاب گردیده بو د، پس از انجام مؤ فقانه وظایف خویش در هفته گذشته (پنجشنبه ٢ اسد)، بعد از هشت روزه مسا فرت کیهانی به زمین بازگشت .

«پیاده شدن مؤفقانه انسان در سطح کره مـهتاب دارای اهـمیت بزرگ تاریخی است و قدم ز د ن انسان در روی مهتاب بحیث یکواقعهٔ درخشان ثبت و قایع قـرن بیستم میگردد که قبل از آن مؤ فقیتهای فوق العادهٔ دیگری مانند پـر تاب او لین قمر ساخت انسان، او لین پر واز کیهانی تو سط یوری گاگارین، اولین قدم زدن الکسی لیو نو ف در فضای خارجی، او لین پرتاب سفینه های فضائی اتو ماتیك بسوی مهتاب زهره و مریخ ـ بدست آمده بود... سطح تکامل تکنیکی که در اثـر پر واز های کیهانی بـدسـت آمـده است، در پیشر فت تمام جو ا نب تکنولوژی کنونی تأثیرات بـزر گ وارد مینماید ودر آینده ساحهٔ ا ین تأثیرات و سعت بیشتر می یا بد . تکامل جامعه و تمام سا حات حیا ت بین المللی با پیـروزی های علم و تا حدود زیادی بـه مؤفقیـت ها ی تحقیقات فضائی پیوند نزدیك دارد. باید امید وار بود، دلایل ز یا د ی مو جود است که چنین پیوند ها برای ار تقای سطح حیات خلق کار گر و برای تأمین صلح در کرهٔ ما، مفید است.»

ما پر واز مؤ فقیت آمیز ومهم سر نشینا ن ا پو لوی یـاز دهـم (نیل آر مسترانگ، میخا ئیل کولنتز و ادوین الدرین) را تقدیـر کـرده و تبریك میگو ئیم.

لمړی مخ پاتی

زموږ لوړ هدف دخلکو...

جریان دودی او تکا مل په لار کی یی خنډونه اچولی، له ښیء او «کینی» خوایی پرموږ باندی حملی کړیدی په دسیسو یی لاس پو ری کړی او کوی ای .

خو څرنګه چه دافغانستا ن دخلکو دموکراتیك جریا ن دعلمی جها ن بینی، داصولو مربوط زنځیر ټینګ نیولی دی او دمبار زی په هری معینی شیبی کی دپیښو دزنځیر مخصوصی کړی پیدا کـو ی اوټینګو ی یی د مبار زی به اوږ دو کی دغـه نا پا که عناصر له نهضت نه تجریدوی اویه خپله دوی دخپل کړغیړن او تیـت روش له کبله دافغانستان دزیار کښ اوشریف اولس له خوا شړل شوی او رسوا شویدی .

پریږده چه ارتجاع او امپریالستی شبکی خپلی ټولی نا پاکی وسلـی په کار واچوی ، اودوحشی په څیر په مو ږ باندی را ودانګی اودسیسی جوړی کړی . ځکه چه دوی خپـل ګور په خپل لاس کینی او خپـل ځان په کی خښوی .

هر څو مره چه ددښمن دمبا رزی وسایل کړغیږ ن او نا پاك وی موږ ته ګټور دی . ځکه چه زمو ږ خلك ژر دحق او با طل دتشخیص کوی ، ژررا ویښیږی ژر تر ژره متشکلیږی او متحد یږی ، دا پا څیږی اوبریالی کیږی . په دغه صورت کی موږ خپـل هدف تـه رسیږو . نور نو موږ څـه غواړو ، ز مو ږ غو ښتنه دافغانستان درنځ ځپلی اولس بری دی که څه هم زموږ دځان په قربا نی وی .

«از ص اول»

رفیق ارجمند ما میرا کبرخیبر...

نظریات وطنپرستانه وآزادیخواهانه بود وهمزمان با نهضت دوره هفت شوری ونهضت اتحادیه محصلیـن پوهنتو ن کا بل(سالهای ٢٨و١٣٢٩)، علی رغم وضع خاص محیط خو یش فعا لانه وشجا عا نه .. در موضع دفا ع از آزادی ودموکراسی ودرراه ترقی کشور قرار میگرفت وعلیـه استبداد و ارتجاع ونفو ذ استعمارقهر مـانـا نـه مبا ر زه میکرد . این شیوه مبارزه بیسا بـقه در آن محیط مو جب گر دیـد کـه در روز توزیع شهادتنا مه فراغت از حر بـی پوهنځـی م . ا . خیبر برتـبه دوم برید مـن درسال ١٣٢٩ بـدو ن تحقیقات ومحاکمه برای مدت بیش از ٦ سال محبوس گردد .

حین دوره حبس اکثریت اعضاء خانواده م . ا. خیبر بشکل فجیـع وظالمانه ای از بین رفت . وی بدون کوچکترین ارتباط بابرون از زندا ن بـا تحمل بـی نظیر و استقامـت وشجاعت روز های سیاه وطو لا نـی زندان را ، توأم با فشار، کوته قفلی،فقر ، محرومیت مادی ومعنوی آن ، گذشتاند. ولی علی رغم این وضع دشواروددرد آور ، ملاك عمل وقضاوت م. ا. خیبر بدو ن کوچکترین عقده شخصی پیوسته منافع ومصالح خلق کشور بوده ومیبا شد .

درسال سوم حبس م . ا. خیبر با ببرك کار مـل در زندان معرفـت یافت وپـیـونـد رفا قـت مترقـی،مسلکی وتاریخی میا ن آنان ایجـاد گردید . م.ا. خیبر پس از آن روش نوین مبار زه طبقاتی را اتخاذ کرد و تاکنو ن همر زم نز دیك ب. کار مـل بوده ومیبا شد .

م .ا. خیبر بعد از ٦ سال وچندماه حبس بدو ن مـحاکمه بتاریـخ ١٣٣٤ از بند رها گر دید وعلی رغم میل وی که شغل آزاد میخواست از بست وزارت دفاع ملی منفك وباحفظ رتبه افسری نظامی، بوزارت داخله در چوکـات قومانـدانی ژانـدارم وپولیس قرار داده شد .

طی تقریباً ١٠سال کاردرکدر تدریسی ومعلمی زبان انگلیسی واحتیاط در وزارت داخله بـا وجـود استعـداد ،تقوی ، شرافـت واخـلا ق عا لـی وطنپرستانه خویش صرف تا رتبـه تورن (معادل رتبه ٧ ملکی) رسید وهیچو قت کرسی قابل ملاحظه ای در دستگاه اداری حکومت نداشـت وهمیشه تحت تعقیب ومحیط تهدیدقرار داشت .

م.ا.خیبر چندین بار درخواست استعفا ازکار رسمی در دستگاه حکومت را بنمود ، ولی از آنجائیکه عنا صـر مستبد حکو متی به شخصیت مؤثر سیاسی واجتماعی وی پی برده بودند به بهانه های مختلف جواب رد بـه استعفا نامه های وی میدادند . روی این و ضع بودکه بـصورت مر مو ز ونا آگاه بعد از واقعهٔ ٣ عقر ب ١٣٤٤ از کابل «جدا» ساخته شد وبه پکتیا «اعزام» گردیـد ، ودر آنجا رسماً تحت مراقبت قرار گرفته واز تماس گرفتن بکا بل جداً ممنو ع سا خته شد.

به مجرد بـسر رسید ن دو رهٔ مکلفیت (در حوت ١٣٤٥) م.ا.خیبر استعفا نامهٔ خود را بمقا مات مربو ط تسلیم وخودازپکتیاوارد کابل شد و بصورت علنی شروع بفعالیت سیاسی سازماندهی و ایدئو لو ژ یکـی دوشا دو ش پر چمدارا ن جر یا ن دموکراتیك خلق افغا نستا ن بنمود.

م.ا. خیبر در تمام حیات ١٣ساله پس از رهائی از زندان ، علی رغـم موقف حساس وی ، قسمت اعظم وقت خود را در ترویـج وتبـلیغ اندیشـه هـای پیشرو عـصر ما ،مطالعات علمی ، نویسند گی وتدریس جوانان مترقی افغانستا ن سپر ی کرده وهمیشه مشعل اعتماد واطمینان محیط رفقای پیشرو خود بوده است.

م.ا . خیبر در رشد وتکا مل جریا ن دمو کراتیك خلق افغانستان سهم مؤثری وپر ار زش داشـت .بدینلحا ظ پس از استعفی تا کنو ن بحیث رفیق ارجمند با وجا هـت ،صدیق، متواضع، دانشمند ووطنپرست از نزدیك با خلق افغانستان، فشرده باجریان دمو کـراتیـك خلق افغا نستان و در هیأت رهبری آن ودر مو ضـع دفا ع ازایدئو لو ژی طبقه کار گر واصول جهانبینی علمی وبحیث همرزم نز دیك ب . کار مل دلیرانه به پیش میرود .

م. ا. خیبر ٤٤ سال دارد ،متأهل است ودارای چهار فر زند میباشد وبه استثنای یك کلبه محقر دیگر دارای هیچگو نه ملکیت شخصـی نیست . وتا مین حد اقل زند گـی وی وخانواده اش بعهدهٔ جر یا ن است .

پرچم
ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان
صاحب امتیاز : سلیمان لایق
مدیر مسؤول : میراکبر خیبر
تلفون : ٢٣١٦٤

«از ص اول»

اتکأ به نیروی ملی عامل عمده…

باید به خاطرداشت باوصف اینکه وطنپرستان کشور های نامبرده مجبور به مبارزه از خارج کشور ـ های خویش اند ، ولی اتکای اساس ایشانرا باز هم مبارزات خلق کشور هی شان تشکیل میدهد و هر گز دراندیشه این پندار غلط نیستند که انقلاب را از خارج وارد کشورهای خود سازند .

تجربه مبارزات رهائی بخش ملی و مترقی مبین این حقیقت است که عالیترین و موثر ترین **سیاست، اتکاء به نیروی ملی (نیروی خود) است .** این خلق کشور است که با استفاده از شرایط میتواند زنجنیر های اسارت راپاره کند ویوغ بردگی را بدور افگند . قابل توجه است که مطلوب ما از بیان اصل مسلم اتکاء به نیروی خود، تجرید از کشور ـ ها وخلقها ی جهان و نیرو ها ی مترقی در جهان نمیباشد . زیرا مبارزه با امپریالیزم بین المللی ،این دشمن آشتی نا پذیر و مشترك ملل وخلقهای ستمدیده جهان به تنها ئی صورت گرفته نمیتوانند . خلق افغانستان در نبرد علیه امپریا لیزم تنها نیست . کلیه کشور ها ی صلحدوست و مترقی و نیرو های مترقی جهان اعم از کشور ها ی سوسیالیستی ،خلق کار گر کشور ـ های سرمایه داری وخلقهای کشور ـ های آسیا ، افریقا وامریکای لاتین که‌علیه ارتجاع وامپریالیزم مبارزه میکنند دوستان خلق افغانستان هستند که ایجاد وتوسعه روابط وهمکاری و نزدیك بین المللی با این نیرو ها کاملا با مصالح ملی ما مطابقت دارد . با وجود این برای یك لحظه نباید فراموش کرد که اصل اتکاء به‌نیروی ملی، به‌نیروی‌خلق‌کشور عامل عمده است که میتواند مارا به پیروزی رساند . ما بر اساس اتکاء به اصل بیداری ، تشکل‌و اتحادخلق وطن واحد ، مترقی ، نوین وپر ـ افتخار میتوانیم تمام نیرو های ارتجعی را از میان برداریم .

همچنان در زمینه رشد اقتصادی کشور عناصر امپریالیست پرست و خارجی پرست اظهار نظر مینمایند که افغانستان بر اساس اصل اتکاء بخود نمیتواند به سطح عالی رشد سریع اقتصاد و فرهنگ نایل آید. لذا باید دروازه ها رابر روی سرمایه گذاری های خارجی کاملا باز گذاشت … ! باید جداً خاطر نشان ساخت که این‌نظر مانند نظر اتکاء مطلق سیاسی به خارج کشور نه تنها نادرست است ، بلکه‌در حقیقت افغانستان رادست‌وپابسته به‌کشور ـ های امپریالیستی تسلیم دادن است که هیچ وطنپرست واقعی افغان نمیتواند به آن تن در دهد . ولی ما معتقدیم که کمك های بدون قید و شرط خارجی که خصلت استعماری امپریالیستی و استثماری نداشته باشد درامر رشد اقتصادی کشور مفید است ،اما به هیچوجه نمیتوان موافقه کرد که افغانستان را به آن متکی ساخت ، بلکه باید به نیروی عظیم و خلاق تمام خلق افغانستان اتکاء کرد و برای ایجاد حکومتی سعی و مبارزه کرد که نماینده خلق افغانستان باشد ، تا بدینوسیله به اتکاء خلق رنجدیده کشور رستاخیز رشد سریع اقتصاد و فرهنگ کشور آغاز گردد و تمام منابع مادی و معنوی افغانستان ، ثروتهای عظیم طبیعی و بشری کشور وسیعاً وبه صورت ثمر بخش بکار انداخته شود .

بنابران بر اساس اصل « اتکاء به نیروی خود»و بر مبنای ایمان تزلزل نا پذیری که به خلق، به ملت وبوطن ما افغانستان محبوب داریم لزوم آن میرود تا یکبار دیگر نکات ذیل را در سیاست ملی خویش(چه در جریان مبارزه رهائی بخش دموکراتیك ملیو اجتماعی و چه در هنگام پیروزی) بر جسته سازیم.

ـ باید فعلیت انقلابی بر اساس نیروی ملیو متحد خلق افغانستان استوار باشد و هیچگاه نباید اندیشه افغانستان واحد ومتحد در تمام فعالیت های ما از نظر دور انداخته نشود .

ـ باید جداً در نظر گرفت که در آخرین تحلیل (علی الوصف قبول کمك های مساعد و بدون قید وشرط خارجی باز هم راه نجات خلق افغانستان تنها بر اساس اصل اتکاء به نیروی خود میسر است .

ـ باید در نظر داشت که بدون پیروزی نهائی جنبش آزادی بخش دموکراتیك واجتماعی افغانستان نمیتوان به عقب ماندگی قرون وسطائی کشور خاتمه داد وبه پرنسیپ اصل اتکاء به خود وبه نیروی ملی و متحد خلق افغانستان تحقق بخشید .

ـ باید این نکته مهم برای جریان ما ، برای خلق ما از هم اکنون واضح شود که تنها ایمان به پیروزی و قبول اصل اتکاء به خود ، کافی نیست .

باید متوجه بود که راه ما در جریان مبارزه عادلانه ما وهم بعد ازپیروزی بسیار طولانی ، خطیر ، سخت ،تلخ وپر پیچ‌وخم است در سر راه انقلاب ملی ودموکراتیك و اجتماعی کشور ما موانع و مشکلات عظیمی وجود دارد که باید تمام آنرا به حساب آورد وعلیه آنها بدون ترس‌و باعزم راسخ هشیارانه وسرسختانه به مبارزه پیگیر واصولی دست زد نباید امر مبارزه رابر علیه مرتجعین داخلی و خارجی ساده گرفت . مرتجعین هرگز به میل خود تسلیم نمیشوند ، تنها پیوند و اتحاد با تمام‌خلق کشور است که میتوان به تمام موانع و مشکلات مسلط شد .

ـ باید در نظر داشت که اتکاء اساسی ما را ،ثروت عظیم جامعهٔ ما را ، نیروی خلاق ملی ما را(چه در جریان جنبش رهائی بخش ملی و اجتماعی وچه بعد از پیروزی)، کارگران ،دهقانان و روشنفکر وطن پرست و زحمتکش افغانستان‌تشکیل میدهد . اینهاخلق واقعی وطن هستند ، اینها سازندگان جامعه نوین افغانستان هستند، اینهانیروی فولادین کشور ند . هنگامیکه اینها (توده های وسیع خلق) سر نوشت خودرا بدست گیرند واز یك مشی سیاسی واقعاً وطنپرستانه ، دموکراتیك و ملی وواقعاً مترقی وپیشرو پیروی کنندوتئوری علمی را رهنمای عمل خود قرار دهند و در برابر دشواری ها از خود مقاومت نشان دهند ، دیگر هیچ مشکلی و هیچ نیروی ارتجاعی نخواهد بود که‌از میان برداشته نشود .

ـ باید به این اصل علمی توجه داشت که نهضتهای رهائی بخش ملی، دموکراتیك واجتماعی درمبارزه با مشکلات رشد و تکامل می یابد و توأم باصرف عظیم نیرو وفدا کاری وقبول قربانیهای لازم ، به پیروزی میرسد .ما نباید در هنگام بر خورد با دشواریها وپیچ وخم ها ی مبارزه ووقوع روز های سخت اعتماد خودرا از دست دهیم واز نیروی خود در داخل کشور مایوس گردیم وازاصل اتکاء به خلق ونیروی ملی‌رو گردان شویم وروز های کامیابی و آینده درخشان و راه پر افتخار نبرد عادلانه خود را از نظر بیندازیم و نیروی مقاومت ملی ، دلیری و هشیاری را در مرحله مبارزه رهائی بخش ملی و اجتماعی از دست دهیم: زیرا اتکاء به سازندهٔ تاریخ ، اتکاء اساسی به‌نیروی ملی خلق‌افغانستان، پیگیری ومداومت در مبارزه، عشق به وطن ما را به پیروزی میرساند . هنگامیکه توده های وسیع خلق افغانستان بپا خیزند، بیدار شوند، متشکل گردند ،متحد شوند وپیوند «ما» به آنها تامین گردد، کوه ها ی مشکلات را از میان خوا هیم برداشت .

«ازص اول»

بناغلی وزیر مالیه…

است تا سلط اقتصادی و اجتماعی فئودالی وبورژوازی کمپرادور از جامعه ریشه کن گردد وقدرت ونفوذ اقتصادی و سیاسی نو استعماری امپریالیزم از جامعه برچیده شود واز رسوخ آن جدا جلو گیری به‌عمل‌آید. مابصراحت اظهار میداریم تاوقتیکه ماهیت طبقاتی حکومتها در افغانستان تغییر نیابد ، اعتقاد وجرئت به اتخاذ اقدامات عملی در دو جهت متذکره در بالا بوجود نیاید ، نه احتیاجات اولیهٔ مردم‌رفع خواهدشد، نه سطح حیات بالا خواهد رفت ،نه «تعمیر بنای‌متین اقتصادی» انکشاف ونه «بنیان مالی» استحکام خواهد یافت ولو آنکه «نهضتهای سر یع اقتصادی در ممالك روبه انکشاف» حکومت های افغانستان را به عذاب وجدانی (!) بکشد .

بناغلی وزیر مالیه در مورد حجم مصارف انکشافی و تمویل آن از منابع داخلی و تناسب آن با عواید ملی اعترافاتی‌نموده است، بدینقرار: «بصورت مجموعی سهم عواید داخلی در تمویل پلان انکشافی اول ٢٤ فیصد ، در پلان دوم ٢٣ فیصد و در سالهای ٤٦ و٤٧ بالترتیب٢٢و ٢٣ فیصدبوده است وارقام بودجه سال ٤٨ نیز سهم عواید داخلی را در مصارف انکشافی ٢٣ فیصد ارائه میکند . در حالیکه فیصدی تحویل مصارف از منابع داخلی در بعضی‌از ممالك همجوار در سال ١٩٦٥ ـ (٤٣ و٧٥) فیصد بوده است .

صرفیت انکشافی دولت در پلان اول (اوسط سالانه) تقریباً ٨ر٤فیصد عاید ملی در پلان دوم ١٠ر٧ و در سالهای ٤٦ و٤٧ علی الترتیب ٧ر٧ و٧ر٢ فیصد عاید ملی بوده است . این رقم در بودجه سال١٣٤٨ به ٩ر١ فیصد میرسد ، مگر باز هم کمتر از معیار اوسط سالانه پلان دوم میباشد .

هرگاه سهم‌منابع‌داخلی‌رادرمصارف انکشافی گذشته به تناسب عاید ملی مورد مقایسه قرار دهیم ، می یابیم که در پلان اول این رقم ٢ فیصد ،در پلان دوم ٢ر٢فیصد بوده در سالهای ٤٦ و٤٧ وپیش بینی سال ٤٨ علی الترتیب به ١ر٧ و١ر٦ و١ر٢ فیصد عاید ملی تنزیل کرده است.»

بناغلی ضیائی پس از ارائه ارقام بالا به ادامهٔ اعترافات چنین نتیجه گیری مینماید : (١) مصارف انکشافی ما در دورهٔ پلان اول‌ودوم سیر ارتقائی داشته واز آن به بعد بر خلاف جریان مترقی اقتصاد که لازم است تسلسل ارتقائی خود را حفظ کند روبه نزول نهاده است و (٢) در نزول مصارف انکشافی نزول مدارك خارجی وداخلی هر دو موثر بوده که هردو نوع نزول‌دلایل واضحی دارند .»

بناغلی وزیر مالیه علت « تقلیل مدارك خارجی را متکی به تصریحات کنفرانس سال ٤٨ تجارت‌وانکشاف ملل متحد منعقده دهلی جدید» چنین توضیح کرده است « که استفاده از منابع خارجی درممالك روبه انکشاف متناسب به سهم آن ممالك درتحویل مصارف از منابع داخلی شان صورت می گیرد» وبحیث یکی از راه های چاره ، تقلیل مصارف انکشافی را نام برده است که پیوست به آن خود میگویند «که در آنصورت (در صورت مصارف انکشافی) معضله ما عدم انکشاف وبعبارهٔ دیگر تنزیل سطح حیات مردم ما خواهد بود ،با توجه باین حقیقت که معیار ازدیاد نفوس در مملکت سالانه دو فیصد صورت می گیرد وتزئید عاید ملی در سال ٤٦ یکنیم فیصد ودرسالهای دیگر تقریباً برابربا ازدیاد نفوس ویا اندکی بیشتر از آن بوده است ، تنقیص در مصارف انکشافی نیز راه چاره نخواهد بود ، مخصوصاً در شرایطی که عاید ملی ممالك همجوار سالانه از ٥ الی ٧ فیصد افزایش می یابد .»

سپس بناغلی وزیر مالیه چنین نتیجه می‌گیرند «تحلیل تمام جریانات مطالب فوق ما را به این حقیقت میرساند که راه سالم و چاره‌اساسی اتکای بیشتر بر منابع داخلی‌وازدیاد سرمایه گزاری‌ازمنابع داخلی است». گرچه بناغلی ضیائی به شمهٔ از حقایق تلخ اشاره و اعتراف‌کرده‌است ولی این اعتراف هم میتواند معرف وضع‌ناگوار‌اقتصادی، کندی‌وحشتناك آهنگ رشد اقتصادی کشور باشد.

باید گفت که اعتراف بوضع فوق العاده وخیم اقتصادی و رکود مزمن وخطر ناك اقتصادی کشور به تنهائی کافی نیست وهم به آرزو ولو باحسن نیت باشد نمیتوان معضلات اقتصادی راحل کرد ، چنانکه بناغلی وزیر مالیه در خطابهٔ خود پس از اعتراف به کندی رشد اقتصادی کشور وقلت منابع مالی داخلی فقط آرزوی حکومت را ابراز داشته است که باید منابع عوایداز داخل انکشاف بیابد و معترف هم گردیده است که «اگر وضع به اینمنوال ادامه یابد طبیعیست که انکشاف اقتصادی صورت نگرفته و سویه حیات مردم بلند نخواهد رفت ، در صورتیکه در ممالك همجوار و مشابه که‌تقریباً به وضع ما بودند ، ارتقاءسطح حیات مردم توسط پروگرامهای انکشافی همواره در حال تزئید است» .

هنگامیکه وضع اقتصادی کشور بنابر پالیسی های اقتصادی نادرست حکومتهای افغانستان تا سر حدی به رکود و شکست مواجه شده‌است که حتی خود حکومت ناگزیراست به صراحت به آن اعتراف نماید اما مسأله قابل توجه اینست که تنها با اعتراف بدون جستجوی ریشه ها وعلل ورفع آنها نمیتوان هیچ کاری را انجام داد . چگونه ممکن است که با حفظ تمام امتیازات وسلط‌اقتصادی طبقات حاکمهٔ طفیلی در جامعه ونفوذ استعمار نوین وامپریالیزم دراقتصاد ناتوان کشور باز هم منابع عواید داخلی انکشاف بیابدورشد اقتصادی تامین گردد .

حکومت بسیار جرئت (!) به خرج داده است که در بودجه سال ١٣٤٨ در پهلوی‌افزایش مالیات‌غیر مستقیم فقط ٤٠٠ ملیون افغانی عواید را از طریق مالیات ارضی پیشنهاد نماید، در حالیکه اراضی محدود دهقانان کم زمین باید از پرداخت مالیات معاف وبر اراضی‌وسیع ملاکین‌بزرگ مالیات مترقی وضع میگردید ،چه این مبلغ دربرابر عواید بسیاربزرگ ملاکین فئودال که طبقه مسلط در جامعه ماست ، فوق العاده نا چیز میباشد . بر اساس احصائیه های

«ص ٣»

«ازص اول»

چطور انقلابیگران…

ما این‌فتنه‌گری‌را به آقایان‌انقلابیگر تبریك میگوئیم. آنها اسناد مؤثق تاریخی رابرای‌محکومیت ابدی‌خوبش وطرد ازجریانات ترقیخواه پیشرو و اندیشه های کبیرطبقه‌کارگر به‌رضائیت خاطر (!) امضاء میکنند .

به هر حال باید خاطرنشان ساخت جریان دموکراتیك خلق افغانستان، جریانیست ملی ودموکراتیك ، ترقیخواه ووطنپرست که مبارزات آشکار آن به استناد قانون صورت میگیرد وبه نیروی ملی اتکاء دارد و هرگز شعاری بیموقع نمیدهد و فعالیت ماجراجویانه نمیکند وتا حدود ممکن تناسب درست دیالکتکی ومنطقی بین صورتها و اشکال‌مختلف مبارزه ، بین قطبهای متضاد مبارزه مانند تعرض وعقب نشینی ،نرمش وقاطعیت ، مصالحه اصولی و سرسختی ، جسارت و احتیاط و غیره وغیره را جداً در نظر میگیرد و متناسب با اوضاع و احوال سیاسی کشور گام بر میدارد ، نفاق افگنی، تحریك وتفتین نمیکند ، به‌عنعنات پسندیده ملی ، به ثقافت ، به مقدسات وخصوصیات ملی وافغانی وتاریخ ملی کشور احترام میگذارد وچه در چنگال پولیس ویا خارج از آن‌دلیرانه ازاصول‌خوددفاع‌مینماید . پرچم اندیشه های پیشرو عصر ، پرچم خلق ، پرچم مبارزه علیه‌ارتجاع وامپریالیزم‌را برافراشته نگهمیدارد.

(آمو)

وظایف مبارزه درمرحله کنونی علیه امپریالیزم

وعمل مشترك احزاب کمونیست و کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیستی

جلسهٔ نمایندگان احزاب کمونیست وکارگری در لحظهٔ بسیار مهمی از تکامل جهانی در ماسکو منعقدگردید: در سراسر جهان پروسه های نیرو ـ مند انقلابی‌قوت میگیرند . سه‌نیروی قوتمند زمان‌ما ـ سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقهٔ کارگر بین‌المللیو جنبش آزادیبخش ملی در مبارزه‌ضد امپریالیزم باهم یکجا میشوند . امکانات روز افزون پیشرفت بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی شاخص مرحلهٔ کنونی میباشد . درعین زمان خطرات ناشی از سیاست تجاوز ـ کارانهٔ امپریالیزم روبه افزایش‌است. گرچه بحران‌عمومی‌امپریالیزم‌عمیق‌تر میشود ولی هنوز ملتهای زیادی را تحت ستم قرار میدهد و بمثابه یك تهدید دوامدار برای صلح و ترقی اجتماعی باقی می‌باشد .

وضع موجود عمل مشترك کمونست ها و تمام نیروهای ضدامپریالیستی رابمنظور حد اعظم‌استفاده ازامکانات روز افزون بغرض یك‌تعرض وسیعتر علیه امپریالیزم ، علیه نیرو های ارتجاع و جنگ ایجاب می‌نماید .

جلسه وظایف مبرم مبارزه علیه امپریالیزم و پرابلم های عمل‌مشترك کمونستها و تمام نیروهای دیگرضد امپریالیستی را مورد بحث قرار داد. شرکت کنندگان جلسه در نتیجه بحث که بروحیهٔ دموکراسی ، برابری و انترناسیونالیزم در آن حکمفرما بود راجع به وضع معاصر جهان ووظایف ناشی از آن به‌نتایج مشترك رسیدند .

بشریت در وضعی وارد آخرین ثلث قرن ماگردیده است که بواسطهٔ مدت یك مبارزه تاریخی میان نیرو ـ های مترقی وارتجاع ، میان سوسیا ـ لیزم و امپریالیزم مشخص میگردد . این تصادم سراسر جهانیست وتمام ساحات اساسی حیات اجتماعی : اقتصاد ، سیاست ، ایدئولوژی و فرهنگ را احتوا میکند .

جنبش انقلابی جهانی باوجود مشکلات و عقب نشینی ها دربعضی حصص به تعرض خود ادامه میدهد. با اینکه امپریالیزم به تعرض‌متقابل دست زده ولی نتوانسته است که تناسب عمومی قوارا به نفع خود تغییر دهد . از برکت قوت روزافزون اقتصادی ، سیاسی‌ونظامی وسیاست صلح جویانه خارجی اتحاد شوروی ودیگر دول سوسیالیستی؛ ازبرکت فعالیت های پرولتاریای بین‌المللی و تمام مبارزان ضد امپریالیزم ؛ از برکت مبارزه بخاطر آزادی ملی ؛ و همچنان از برکت جنبش توده ای صلح جلوگیری از وقوع یك‌جنگ جهانی‌ممکن گردیده است . سوسیا ـ لیزم که بر سوم حصهٔ کرهٔ زمین پیروز گردیده در مبارزه جهانی در راه تسخیر دل‌وجان‌مردم به‌موفقیت ـ های تازهٔ دست یافته است . واقعات دههٔ گذشته گواه است که تشخیص مارکسیست لنینیستی کرکتر،مضمون و گرایش های عمده دوران معاصر صحیح میباشد .

دوران ما دوران گذار از سرمایه ـ داری به سوسیالیزم‌است. درحاضر امکانات واقعی برای حل پرابلم های اساسی زمان ما به نفع صلح ، دمو ـ کراسی و سوسیالیزم و واردنمودن ضربات جدید به امپریالیزم بوجود آمده است . گرچه ، در حالیکه سیستم جهانی امپریالیزم قویتر نگردیده ، باوجود آن بحیث‌یك‌دشمن جدی و خطرناك باقی‌میباشد . قدرت عمده امپریا لیستی ، ایالات متحدهٔ امریکا بیشتر متجاوز گردیده‌است .

هستهٔ سیاست تجاوز کارانهٔ امپریالیزم را تلاش در راه مورد استفاده قراردادن همه وسایل بغرض‌تضعیف مواضع سوسیالیزم ، مختنق ساختن جنبش آزادیبخش ملی ، فلج نمودن مبارزه خلق کارگر در کشور های سرمایه داری و جلوگیری از ذوال غیرقابل بازگشت نظام سرمایه‌داری میباشد .

تضاد اساسی بین امپریالیزم و سوسیا لیزم ، که بمقیاس جهانی میباشد، عمیق‌ترمیگردد . درشرایطی که مبارزه بین این دوسیستم جهانی حادتر میگردد ، نیروهای سرمایه ـ داری باوجود تضاد هائیکه میان‌خود دارند و آنهارا از یکدیگر جدامینماید تلاش می ورزند مساعی شانرابمنظور حفظ و تقویه سیستم استثماروستم وبدست آوردن مواضع از دست‌رفته باهم متحد کنند . امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا سعی میکند نفوذخودرا بردیگر کشورهای سرمایه داری‌حفظ کند و در عرصه های عمده مبارزه طبقاتی از سیاست مشترکی باآنها پیروی کند .

لبهٔ تیغ ستراتیژی تجاوز کارانهٔ امپریالیزم بازهم در درجهٔ اول‌وپیش از همه برضدکشور های‌سوسیالستی متوجه میباشد . امپریالیزم ازمبارزه مسلحانه آشکار برضد سوسیالیزم دست بردار نشده است . مسابقه تسلیحاتی را پیوسته شدت‌میبخشد وسعی می‌نماید دسته بندیهای‌نظامی ای راکه بمنظور تجاوز برضد اتحاد شوروی‌ودیگرکشورهای‌سوسیالیستی وسعت می بخشد و کوشش میکند جلو رشد اقتصادی آنهارا بگیرد .

امپریالیزم در فعالیتهای خود برضد جنبش طبقهٔ کارگر حقوق و آزادیهای دموکراتیك را پایمال‌میکند و از تشدد برهنه ، شیوه های وحشیانه تعقیب پولیسی و قوانین ضد کارگری استفاده می نماید . علاوه‌بران ، به‌عوامفریبی، ریفورمیزم بورژوائی ، ایدیولوژی و سیاست اپورچونیستی متوسل میگردد و پیوسته سعی می ورزد که شیوه‌های جدید تخریب جنبش طبقهٔ کار گررا از داخل آن جستجو کند و آنرا با سیستم سرمایه داری «یکجا»سازند.

امپریالیزم در مبارزه بر ضدجنبش آزادیبخش ملی ازیکطرف باسرسختی ازبقایای سیستم استعماری دفاع میکند و ازطرف دیگر در تلاش‌بخاطر مانع شدن از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دولتهای درحال رشد ، کشور های که حاکمیت ملی شانرا بدست آورده‌اند از شیوه های استعمار نو کار میگیرد . بدینمنظور از محافل ارتجاعی پشتیبانی میکند، ازبین رفتن‌عقب‌مانده ترین‌ساختمان‌ـ های اجتماعی را به تعویق می‌اندازد وسعی میکند تا در راه ترقی این کشورها در طریق سوسیالیزم یاراه رشد مترقی غیر سرمایه داری ، که راه را برای سوسیالیزم باز میکند موانع ایجاد نماید . امپریالیستها بر این کشورها موافقت نامه های اقتصادی و پیمانهای نظامی‌وسیاسی ای را تحمیل میکنند که حاکمیت شانراتحدیدمی‌نماید . آنها این کشور ها را از طریق صدور سرمایه ، قرارداد های نابرابر تجارتی ، سوء استفاده از قیم ، نرخهای تبادله ، قروض و اشکال مختلف به اصطلاح کمك ، واردکردن فشار ازطریق‌موسسات‌مالی‌بین‌المللی استثمار می نماید .

فاصله بین دولتهای سرمایه‌داری که بسویهٔ عالی رشد خود رسیده‌اند واکثریت دیگر کشور های سرمایه ـ داری روزتاروز بیشتر میگردد ؛ گرسنگی پرابلم حاد عدهٔ از کشور های اخیرالذکر را تشکیل میدهد .

امپریالیزم اصطکاك را در کشور های درحال رشد تحریك می نماید وازطریق‌تشویق‌ناسیونالیزم‌ارتجاعی بین آنها تخم نفاق کشت میکند . و کوشش میکند در این کشور ها از طریق انتی‌کمونزم درصفوف‌انقلابیون رخنه ایجاد کند و آنهارا از بهترین دوستان شان ـ دولتهای سوسیا ـ لیستی و جنبش انقلابی طبقهٔ کارگر در کشورهای سرمایه داری تجرید نماید .

امپریالیزم از طریق دسته بندی‌ـ های نظامی سیاسی و پایگاه های نظامی در کشور های خارجی ، فشار اقتصادی و بلوکاد ها (محاصره) های تجارتی تشنج را در بعضی حصص جهان نگهمیدارد . به سازمانهای ارتجاعی کمك های مالی و سیاسی مینماید وستم‌سیاسی‌را تشدید میکند بخصوص در جاهایکه مبارزه حاد ـ ترین اشکال را بخود میگیرد ، ودر جاهایکه نیروهای انقلابی اسلحه در دست برضد دسایس ضد انقلابی، کشور های ارتجاعی و فاشستی ، تفتین و تهدید می‌جنگند به مداخله مسلحانه و اختناق وحشیانه‌متوسل می گردد .

دربرابر تقویه مواضع بین المللی سوسیالیزم ، امپریالیزم تلاش می نماید وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی راتضعیف کند و از اختلافات موجود در جنبش انقلابی بین المللی بمنظور ایجاد رخنه در صفوف آن استفاده نماید . افزار ایدئولوژیکی خود را بشمول وسایل کتلوی در خدمت‌انتی‌کمونزم ومبارزهٔ آن بر ضد سوسیالیزم وبرضد تمام نیرو های مترقی قرار میدهد .

در همین چند سال گذشته امپریالیزم چندین بار بحرانات حاد بین المللی را تحریك نموده که بشریت را تا لب پرتگاه یك‌تصادم زروی کشانیده است . ولی‌تناسب قواء درجهان ونیروی بالقوه‌هستوی اتحاد شوروی وخوف از عواقب ممکن یك جنگ راکتی زروی دست زدن بیك جنگ جهانی دیگر را بیش ازپیش دشوار وخطر ناك میسازد .

از آنرو محافل حاکمه ایالات متحده امریکا بدون اینکه ازآمادگی برای یك جنگ‌بزرگ دست بردارند برسر جنگ های محلی اصرار می ورزند .

ولی ، تضادبین «سیاست زور» امپریا لیستی وامکانات واقعی که امپریالیزم در دست دارد بیش از پیش آشکار می گردد . **نه امپریالیزم میتواند ابتکار از دست رفته تاریخی خود را بار دیگر بدست آورد ونه میتواند رشد جهانی را به عقب بر گرداند . این سیستم‌جهانی سوسیالیزم ، طبقه کار گربین‌المللی وتمام نیرو های انقلابیست‌که سمت عمده رشد وتکامل بشریت راتعیین می نماید .**

جنگ ویتنام قانع کننده ترین ثبوت تضادبین پلانهای تجاوزکارانه امپریالیزم وقدرت آن در اجرای این پلانها میباشد . اینکه امپریالیزم ایالات متحده بمثابه نیرو مند ترین نیروی امپریالیستی‌جهان درویتنام شکست می خورد اهمیت تاریخی دارد .

مداخله مسلحانه در ویتنام مقام خاصی در نقشه های نظامی‌وسیاسی امپریالیزم امریکا دارد .پلان تجاوز کار این بودکه یك جبهه سوسیالزم را در آسیا تخریب کند ، راه مردم جنوب شرق آسیا را بسوی آزادی وترقی مسدود نماید و جنبش‌آزادی بخش ملی را ضربه زند و قوت همبستگی پرولتری کشور های سوسیالستی وخلق کار گر تمام جهان را بیازماید . ولی با وجود اینکه امپریالیزم ایالات متحده امریکا مقدار عظیمی از انواع‌مختلف اسلحه را بکار انداخته است‌باآنهم مجبور گردید بمباری بر جمهوری دموکراتیك ویتنام را بدون‌قیدوشرط قطع نماید و نمایندگان خود را جهت مذاکره با نمایندگان جمهوری دیموکراتیك ویتنام وجبههٔ آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی با لای‌میز مذاکره بنشانند .

قهرمانی بینظیر خلق ویتنام ، سیاست دور اندیشانه جمهوریت دموکراتیك ویتنام وجبههٔ‌آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی ، اشکال‌مختلف امداد کشور های سوسیالستی بخصوص اتحاد شوروی به خلق ویتنام وهمبستگی رزمجویانه و روز افزون بین المللی در سراسر جهان ازجمله در خود ایالات متحده باعث این‌شکست امپریالیزم گردیده است

مداخله جنایتکارانه درویتنام ایالات متحده امریکا را تا اندازه قابل ملاحظهٔ از نظر اخلاقی‌وسیاسی تجرید نموده است . توده های وسیعتر مردم ، قشر های جدید اجتماعی ونیروهای سیاسی‌بیشتری را در ضدیت با امپریالیزم قرار داده ودر بسیاری کشور ها اشتراك ملیونها نفر مردم جوان را درمبارزه ضدامپریالیزم تسریع کرده است .

«باقیدارد»

دفاعیه مدلل وقانونی محمدسلیم ارگر

محمد سلیم کارگر جوان وآگاه فابریك نساجی پلخمری (بجرم) اشتراك در اعتصابات وتظاهرات‌قانونی و مسالمت آمیز کارگران نساجی، در جریان نهضت اعتصابی‌کارگری کشور در سال گذشته، از طرف محکمه ابتدائیه «امنیت عامه»ولایت بغلان به یکسال حبس محکوم گردیده‌بود. در اثر مرافعه خواهی‌وی محکمه استیناف مدت حبس اورا به شش ماه تقلیل داد وسپس محکمه‌تمیز مامورین و امنیت عامه نیز این مدت حبس را باوصف دلایل قوی‌قانونی «متهم»تائید نمود که اینك به منظور رد اتهامات وروشن شدن‌حقایق دفاعیه محمد سلیم کارگر رابه نشر می‌سپاریم .

ع،ص،ف رئیس صاحب واعضاء محترم محکمه امنیت عامه ولایت‌بغلان

محمد سلیم میخانیك نساجی دفاعیه خود را بمقابل دعوی خارنوالی پلخمری ذیلاتقدیم‌میدارد.

اگر چه دعوی‌مدعی از ابتداء الی اخیر از نظریات میان تهی ودور از واقعیت قدم هیچ مبنای حقوقی‌و قانونی ندارد بلکه صرف برای ایجاد فضای مختنق‌تر در جهت تامین منافع غیر قانونی سهم داران بزرگ نساجی پلخمری خاصتا (بناغلی زابلی)با چیدن الفاظ وکلمات مبهم تر تیب وتنظیم گردیده که‌محکمه مربوطه‌نظر به صلاحیت قانونی‌خود اینگونه دعاوی‌را که مبین یك عمل معین ومشخص جرمی‌نباشد باید قطعا نشنود بآنهم برای اینکه همین دعوی بی سرو بی پا بی جواب نمانده باشد به رد آن چنین میپردازیم .

درمجموع دعوی یك حالت جرمی بصورت قطع‌بیان نشده‌و کوشش بعمل آمده تا به جمله بندی های فریبنده‌موضوعی‌را توصیف‌نمایند که متن جرمی داشته باشد‌بازهم بجز اینکه فهمیده شود کارگران فابریکه نساجی پلخمری برای‌احقاق حقوق اجتماعاتی نموده اند مفهوم دیگری دردعوی نهفته نیست. حال ببینیم که عمل کارگران قانوناً مجاز بوده یانه مادهٔ (٣٢) قانون اساسی تصریح مینماید (اتباع افغانستان حق‌دارند برای تامین مقاصد جائز و صلح آمیز بدون حمل صلاح مطابق به احکام قانون و بدون اجازه قبلی دولت اجتماع نمایند.» ودر عمل هم تظاهرات و اجتماعات کارگران وشاگردان درسال (١٣٤٧) ومظاهرات و اجتماعات ٢٤روزه پوهنتون و شاگردان معارف در کابل واکثر ولایات کشورمتکی بهمین‌اصل انکار ناپذیر دموکراتیك قانون اساسی بود .

محرك اصلی مظاهره کارگران هم که‌ازا ئیده مناسبات غیر عادلانه موجود در کشوراند عبارت از شرائط بد کار ، عدم مصئونیت ، قلت دستمزد و صد ها دستبرد غیر انسانی فابریکه نساجی پلخمری که‌با وجود مطالبات‌پیهم قانونی کارگران برای تغییر این وضع ناگوار کوچکترین اقدامی صورت نگرفته هر چند دستگاه نساجی ظاهراً به مطالبات قانونی کارگران نگردن نهادوبه حقوق‌مشروع ایشان در نظر اعتراف نمود . مگر در خفا ودر عمل زمینه‌سازی‌نمودند تا توطئه ها ی جدیدی‌را علیه کارگران براه اندازند جنانچه عده ئی از کارگران شریف وزحمت کش ومامورین نجیب‌فابریکه علی رغم نص صریح ماده (٣٧)قانون اساسی که میگوید (کارحق وفریضه هرافغان است که قدرت اجرای آنرا داشته‌باشد» هدف عمده قوانین که برای تنظیم کارو ضع‌میگردد رسیدن بمرحله‌ئی است که‌در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود شرائط مساعد کار فراهم گردد. وروابط بین کارگران و کار فرمایان بصورت عادلانه ومترقی تنظیم‌گردد‌مشاهده‌قوی‌ادعای‌من‌وافشای دسائس صاحبان زورو زر بشمار میرود . ازینکه دستگاه نساجی تمام تعهدات خودرا نقض وبه‌اتلاف حقوق کارگران‌بیش از پیش‌ظالمانه تر پرداخته ، کارگران نیز برای حل این مسئله عمومی حیاتی خود به اعتراضات قانونی توسل جسته عرائض متعددی به تلگراف (٢٣) ١٣ـ٣ـ٤٧ به ولسی جرگه، عریضه به ریاست نساجی متن آن‌به‌شمارهٔ (١٣) جریده پرچم و غیره مقامات ذیصلاح تقدیم واز توطئه ها ی جدید کارفرمایان دستگاه‌نساجی

حتی قبل از مظاهره ١٥عقرب‌به‌جرائد ملی‌نیز اطلاع داده شده که‌به جریده افغان ملت ترجمان و جریده شماره ٢٣ـ ٣٠ـ٧ـ ١٧ پرچم آنرا منعکس نموده اند. البته تمام حرکات کارگران داخل نظم، دسپلین،انضباط ومسالمت آمیز بدون‌حمل سلاح‌بود که ادعای (مشوش ساختن ذهنیت) (تحریك) ویا (خلاف مقررات) بالای آن شده نمی تواند ولی‌با جرئت باید بگویم که‌با منافع عده قلیل استثمارگران منفعت‌جوو طفیلی تضادداشت نه‌بامنافع صنفی کارگران

واکثریت‌مردم‌کشورعزیزما افغانستان بااین‌همه حقایق‌روشن ،مستند‌قانونی که‌دربالا تذکری‌ازآن رفت آیا جای تعجب وتاسف نیست که مامورین مربوطه دوسیه رابه‌همکاری‌متنفذین ستمگر فابریکه علیه من ساخته و پرداخته و باین وسیله قانون اساسی ، اصولنامه کار و کارگر وسائر قوانین مملکتی‌را نقض وپامال نموده اند. بدون شك این همه‌قانون شکنی ها موید این‌واقعیت سرسخت است که‌دستگاه نساجی‌و حامیان منافع از مندانه آنان دست بهم داده بدون کمترین اعتنائی‌به قانون عدالت حقوق حقه کارگران از آن جمله حقوق مرا زیر پا نموده‌برای ادامه هر چه بیشتر استثمار ظالمانه دست به دوسیه سازی‌وغیره‌زده‌اند ومیزنند . من‌با حفظ احترام به قانون اساسی‌و سائر قوانین که‌داشته و دارم از‌محکمه محترم تقاضاً میکنم تابروی حق‌و عدالت حکم خود را مبنی‌بر عدم سمع دعوی مدعی‌اصدار فرمایند .

مورخه ١٠ـ١٣٤٧

رئیس صاحب واعضای محترم دیوان حقوق عامه استیناف عالی مرکزی!

محمد سلیم میخانیك شرکت نساجی پلخمری اعتراض خود را بر فیصلهٔ نمبر ٤٢ ـ٢٢ مورخه ٩ ـ ١٠ـ ٤٧ محکمه ابتدائیه حقوق‌عامه بغلان دعوی خارنوالی مرافعه تقدیم میدارم:

اگردرمتن دفاعیه‌ام‌که‌به مقابل ادعای خارنوالی درمحکمه ابتدائیه باستناد مواد مصرح قانون اساسی که حتی از طرف خودمحکمه نیز تائید گردیده‌بود دقت شود اجتماعات کارگران سراسر قانونی وبرای احقاق‌حقوق شان صورت گرفته وبصورت قطع درآن نمی توان حالت جرمی را سراغ‌نمود. مگربا آن هم محکمه مخالف نصوص‌قوانین‌مملکتی وبدون‌درنظر گرفتن حفظ واحترام حقوق سائر کارگران و خاصتا اینجانب که بدون‌موجب مدتی‌دوچار سرگردانی‌گردیده‌ام مرا محکوم‌به یك سال حبس نموده‌که دلائل رد حکم محکمه را بقرار آتی بعرض میرسانم:

١ـ محکمه محترمه در فیصلهٔ نمبر ٢٤ـ٧٦ـ مورخه ٩ـ١٠ـ٤٧ بوضاحت تائید میکند که «همانا بروی احکام مواد فوق‌الذکر قانون اساسی جزء ماده (٣٢) امنیت عامه قابل تطبیق دیده نمی شود » که‌باین ترتیب‌مطالبه خارنوالی از طرف محکمه بکلی رد گردیده و لازم بود که حکم به برائتم اصدار مینمودولی بر عکس خلاف عدالت‌و قانون‌محکوم بجزاء شده ام.

٢ـ محکمه در فیصله نمبر٤٢ـ٧٦ مورخه ٩ـ١٠ـ٤٧ خود مینویسد «ازینکه یك‌مرتبه علاقهٔ محمد سلیم مدعی علیه مذکور ازوظیفه اش قطع گردیده برایش مجاز‌نبوده که بارثانی همراه ملازمین‌و کارگران فابریکه نساجی‌به مظاهره پرداخته و کارگران مذکور را تحریك‌به‌مظاهره مینمود» وازهمین‌جاست که‌محکمه بدون درنظر گرفتن‌حق قانون، بازی باالفاظرا شروع نموده‌است. با ین معنی‌که‌بازهم نبض قضیه‌را همانا اجتماعات‌ومظاهرات کارگران‌تشکیل میدهد. وقتی‌بنابه‌صراحت قانون اساسی اجتماعات اتباع افغنستان بدون حمل سلاح مجاز و حق مرد افغنستان باشد تحریك به آنهم نه تنها جرم نیست بلکه‌عملیست قانونی ومجازچه من‌داخل کار درفابریکه باشم‌وچه‌نباشم واز اینکه‌محکمه آنرا غیرمجاز میداند حرفیست پوچ و بدون ارائه قانون .

٣ـ محکمه در فیصله نمبر ٤٢ـ ٧٦ مورخه ٩ـ ١٠ـ ٤٧ خودمیافزاید (وازین عمل مذکورنه تنها طبق محتویات‌اوراق وادعای‌خارنوالی ولایت مبلغ‌دو لك افغانی خساره بموسسه مذکور عاید گردیده‌بلکه موجب‌تشویش وسرگردانی‌مامورین موظف‌وباعث شوخ چشمی وبی‌اطاعتی کارگران مذکورگردیده).عمال فابریکه دار بزرگ نساجی که برای بدست آوردن امتیازات ناچیزی به گردهٔ صدها کارگر وهزاران نفر ازمردم ما فشار آورده ومیاورند بسیار دم از خساره دو لك افغانی فابریکه میزنندوبیشرمانه اعتراف میکنند که فابریکه دار بزرگ از شروع کار فابریکه تا حال‌روزانه دو لك افغانی از حاصل‌دسترنج کارگرانی راکه‌در بدترین‌وابتدائی ترین شرایط زندگی وبدون‌جزئی‌ترین احساس مصئونیت بسر میبرند مفت ورایگان بجیب زده وبعدازین هم برای ادامهٔ استثمار ظالمانه خود حاضر نیست با اعتراض قانونی ومشروع آنها‌گوش‌بدهد بلکه‌برعکس توطئه‌میکنند ، دو سیه میسازند وبیچارگان را محکوم به‌اخراج‌وزندان میسازد .

اکنون‌میتوانیم اقلا بپرسیم‌آقایانیکه مدعی خساره دو لك افغانی نساجی پلخمری اند میتوانند یك حساب دقیق‌وواقعی نساجی را ارائه بدهند که واقعاً محصول کارسود جویان‌باشد؟ با وجود این‌همه مواد مستند‌کارگران قطعاً کاری نکرده اند که‌با قوانین موجود در‌مملکت مخالفت داشته باشد. من همیشه با قانون اساسی وسائر قوانین مملکت احترام داشته ودارم .

٤ـ محکمه اخیراً در فیصلهٔ نمبر ٤٢ـ٧٦ـ ٩ـ ١٣٤٧١٠ خودمینویسد «مدعی علیه مذکور از مسئولیت بری شده نمی تواند طبق‌ماده(٨٣) فصل دوم جنایات مربوط با خلال وظیفه .. بمدت یکسال محبوس گردد» ماده (٨٣) چنین حکمفرماست « اگر سه نفرازمامورین دولت ویا زیاده از آن وظیفه‌خود را ولو بصورت استعفاء یا‌بشد با تفاق همدیگر ویا بقصد نیل‌یك‌مرام مشترك ترك کویند ویا تحت همین‌شرایط بازادی‌وجیبه‌ئی ازواجبات وظیفه‌خود استنکاف ورزند… الخ» که‌بملاحظه‌آن‌میتوان بجرئت‌گفت :

(الف) حکم این‌ماده قانون‌بعدازانفاذ قانون اساسی مخصوصاً آن جائیکه (کار حق اتباع افغانستان) خوانده شده‌وانصراف از حق خود موجب الزام نمیگردد ملغی قرار گرفته است .

ب) به فرض محال که حکم ماده فوق مدار حکم باشد درموضوع مورد‌بحث قابل تطبیق نیست‌زیرا در هیچ جای این قضیه استعفای‌من ویا دیگر کارگران مطرح نشده بلکه نساجی پلخمری، من وعده ازکارگران شریف را برای تأمین منافع هر چه بیشتر پولداران بزرگ خیلی ظالمانه از کار اخراج نموده ، نه اینکه‌ما استعفاء نموده باشیم. جای تعجب است‌که محکمه عوض‌اینکه‌عمل نساجی‌را جرم بداند بالعکس عمل قانونی کارگران را جرم تلقی میکند .

ج) حکم محکمه مخالف نص‌ماده (٢٧٣) اصولنامه جزائی است که میگوید «قاضی دردعوی بر حسب عقیده‌ایکه بر اساس دلائل نزد او پیدا میشود به کمال آزادی اصدار حکم مینماید ولی باآنهم نمیتواند حکم‌خود را به دلیلیکه پیش‌اومطرح نشده‌باشد بنانماید» یعنی استعفاء کارگران چه‌در نظریات هیات وچه دردعوی مدعی بر محکمه مطرح نگردیده‌و لی حکم‌محکمه‌بآن‌بناءیافته است که حکم غیر قانونی محکمه‌قابل انفاذ نمی باشد .

د) ماده (٢٩٨) اصولنامه‌اجراآت جزائی که‌می‌نویسد «عدم مراعات احکام قانون درمورد اجراآت‌اساسی موجب بطلان آنست» واز اینکه‌مطابق به‌استدلال‌بند (ج) دفاعیه ام محکمه قانون را مراعات ننموده حکم آن باطل می‌باشد .

هـ) بی پایگی‌وبی‌مایگی فیصله نمبر ٤٢ مورخه ٩ـ١٠ـ٤٧ محکمه ازین جا شروع میشودکه‌محکمه‌فرق بین کارگر و مامور و فرق بین شرکت‌وموسسات دولتی را کرده نتوانسته وشرکت نساجی پلخمری را که شرکت شخصی چند نفر سرمایه‌دار استثمار گر میباشد موسسه دولتی دانسته، کارگران وموظفین‌فابریکه را مامورین دولت فرض کرده، ناشیانه حکم خود را بماده (٨٣) مستند ساخته و فیصله صادر نموده است .

بناء از محکمه محترم استیناف میخواهم که فیصله صادره محکمه دیوان امنیت عامه‌و لایت بغلان را ملغی‌نموده و حکم به برائت من صادر نماید .

«از ص ٢»

بناغلی وزیر مالیه…

رسمی حکومت مجموع اراضی قابل زرع که در حدود ١٤ر٠٠٠ر٠٠٠ هکتار ویا ٧٠ر٠٠٠ر٠٠٠ جریب میشود ، این‌مبلغ مالیه جدیدپیشنهاد شده فقط بر اساس فی جریب ٥ر٧ افغانی میرسد .ولی این مورد راهیچ عقل سلیم پذیرفته نمیتواندکه بطور مثال یك دهقان کم زمین که بیش از ده جریب زمین ندارد اگر عاید فی جریب زمین را در سال تقریباً ٧٠٠ـ افغانی در نظر بگیریم ، از مجموع عواید خود که ٧٠٠٠ـ افغانی میشود ٠ر٨ فیصدآنرا مالیه بپردازد وحد اوسط یکی از اربابان فئودال نیز که ١٠ هزار جریب زمین دارد و مجموع عواید آن ازین مقدار زمین که ٧ر٠٠٠ر٠٠٠ـ افغانی میشود باز هم ٠ر٨ فیصد آنرا مالیه بدهد . مسأله مالیات ارضی درافغانستان خیلی شرم آور وصریحاً مغایر با عدالت اجتماعی است .

چه برطبق گفته بناغلی وزیر مالیه‌مقدار مالیه‌ارضی‌ازسال ١٢٩٩به اینطرف به همان معیار اولی که عبارت از تسعیر نرخ غله‌بر اساس فی سیر یك افغانی باشد ، باقی مانده است ، در حالیکه درظرف این پنجاه سال از آنتاریخ تاکنون نرخ غله کم از کم ٥٠ مرتبه افزایش‌یافته است . باندکی توجه میتوان دریافت که ملاکین بزرگ فقط از ناحیهٔ عدم پرداخت مالیات ارضی چه منافع سر شاری که نبرده‌اند . پس در چنین وضعی که حکومتهای‌افغانستان نه‌میخواهند وقدرت آنراندارند «خاطر مبارك» طبقات صاحب امتیاز جامعه را از خود آزرده سازند ، چطور میتوان عواید از مدارك داخلی را افزایش داد .هر گاه حکومتها ی افغانستان حد اقل منافع ملی‌ومصالح عالیهٔ خلق کشور را در نظرمیگرفتند وجرئت انجام عمل قاطع علیه‌طبقات و عناصر مفتخوارو غارتگر جامعه‌اعم از اربابان فئودال ، سود خواران، قاچاقبران ، تاجران دلال وعمال انحصارات امپریالیستی رامیداشتند امکانات وسیعی برای تامین وبسط منابع جدیدعواید میسر بود. چون حکومت موجود مانند حکومتهای گذشته ماهیتاً قادر وآماده برای اجرای اصلاحات عمیق دموکراتیك ارضی‌ودیگر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به نفع مردم نمیباشد ، بنابران طبیعی است که بر طبق گفتهٔ بناغلی وزیرمالیه «محدودیت منابع عاید اصلی مملکت درگذشته وحال مانع آن بوده است که‌انکشاف به‌پیمانهٔ مطلوب صورت گیرد» و حکومت ناگزیر به اعتراف باشد که «ادامه وضع به‌اینترتیب که مانمیتوانیم حتی‌بودجه عادی مملکت‌رااز‌استرداد قروض آن‌از منابع داخلی عوایدتامین کنیم وبودجه انکشافی را کاملا به قروض امداد خارجی متکی داشته باشیم ، بکلی یك حقیقت تلخ وغیر قابل تحمل است .»

س . ك